



02/05/3018

نصیبہ اکرم حیدری

شکست وحدت ملی جز ره آورد غلامان بیگانه نیست

اتحاد ملی به معنای یکپارچگی یک ملت، راز پیروزی یک ملت و عامل اصلی استحکام یک جامعه محسوب میشود. وحدت یک ملت، اتحاد قلبی، روحی، محبت یک جامعه، آرزوها و امیال یک ملت است که محور آنرا در قانون بنیادی یک ملت خلاصه و تأکید میتوان کرد.

اتحاد ملی زیربنای و سنگفرش بنیان های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و در رأس همه پایه استوار نگهداشت استقلال یک ملت محسوب میگردد.

از این حقیقت نمیشود انکار نمود که همه انسانها تنها در انسان بودن مساوی اند و تفاوت ها و خصوصیات فردی به شمول تفاوت های دینی، مذهبی، زبانی و قومی به شمول ساختار چهره ها و سطح دانش و توانمندی های دیگر آنرا از همدیگر تفکیک مینمایند که این همه تفاوت ها نمیتواند باعث گردد که سد راه ایجاد همزیستی و وحدت و همدلی میان افراد یک جامعه گردد. برخلاف این تفاوت ها برای زندگی انسان سود مند میتواند محسوب گردد، زیرا که انسان را به رقابت و انجام مثبت امور و پیشرفت سوق میدهد تا بتواند برتری خویش را بر دیگران ثابت کند و نظام زندگانی را رنگ بهتری ببخشد و روی این اساس توان و انرژی انسان و بروز شایستگی باعث دستیابی به دستاوردهای بهتر است، نه عوامل اختلاف برانگیز و فروپاشی آرامش همدیگر.

چه زیباست آزادی یک ملت که میتواند از وحدت ملی سخن بگوید و چه سرفراز است رهبری که ببنیاد فکری و اندیشه اش جز وحدت ملی نباشد، تا بتواند آزاده حکومت کند و ملت خویش را برای نیل به افقهای روشن به جنبش در آورد، بی آنکه حلقه غلامی بیگانه بر گردن حمل کند و یا اینکه با بادر بیگانه ای تعهدی بسته باشد که سدی گردد اینچنین آرمانها را. و این گفته مرا بر این وامیدارد تا از بینانیه خطاب به مردم شهید محمد داود خان نقل قولی بیاورم:

" افغانستان کشوری است که در آن اقوام برادر مختلف زنده گی دارند ورشته های مختلفی خصوصاً دین مقدس اسلام ساکنین افغانستان را بهم پیوند میدهد که در تاریخ طولانی کشور سرنوشت مشترک داشته و در راه استقلال و آزادی کشور متحدانه مبارزه کرده اند و در ایجاد فرهنگ مشترک ملی با هم همکاری نموده اند.

لذا دولت جمهوری برای ایجاد یک اتحاد واقعی مادی و معنوی بین مردم افغانستان بر اساس برابری، و دولتی سعی می نماید و در پی آنست که همه انواع و اشکال تبعیض را ریشه کن سازد."

این رهبر آزاده این اصل را نه تنها که در سرود ملی افغانستان جا میدهد و بالاتر از آن آنرا درج قانون اساسی کشور مینماید.

سرود ملی افغانستان – شعر مرحوم بینوا

خو چی دا خُمکه آسمان وی

خو چی دا جهان ودان وی

خو چی ژوند پر دی جهان وی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

خو چی پاتی یو افغان وی
تل به دا افغانستان وی
تل دی وی افغان ملت
تل دی وی جمهوریت
تل دی وی ملی وحدت
تل دی وی افغان ملت جمهوریت
تل دی وی افغان ملت جمهوریت
ملی وحدت ملی وحدت

با ختم این صدا و شهادت این رهبر آزاده ، وحدت ملی از خاک وطن رخت بر بست و افغانستان عزیز و ملت مظلوم افغان را درد و الم و فریاد و خونریزی بسوی خویش خواند.

شهید محمد داود، این رهبر آگاه به ضرب تیشه های استعمار میاندیشید و از عواقب آن دایم نگران بود. در بیانیه بر افراشتن بیرق ملی میگویند که:

"به شهادت تاریخ در پیکار زندگی همیشه در برابر تجاوز و استعمار ایستاده گی کرده ایم وضمننا از دسایس و حيله های آن صدمه و آسیب بسیاری دیده ایم. هر وقت که استعمار در صدد عقب نگهداشتن ملتی از کاروان پیشرفت تکامل بر آمده است، اولین و مهمترین وسیله ای که به کار برده اند، تولید بدبینی و نفاق بین اشخاص و طبقات و رخنه کردن در بنیان وحدت ملی آن بوده است. درس های تلخ تاریخ نباید فراموش خاطر ما گردد. فکراستعمار و استعمارگری هنوز در دنیای ما وجود دارد. اگر شکل ظاهری خود را تغییر داده است ، اما در هدف اصلی آن باورنمی کنم تعدیل و تغییری وارد شده باشد. لذا وظیفه هر فرد وطن دوست افغان است تا برای بقا و سعادت ملی خود و حفظ نظام جمهوری خود، در هر چه نگاه می کند، هر چه می بیند، و هر چه می شنود، آنرا در روشنی حقایق فوق تحلیل کنند و قضاوت شان آگاهانه و عاقلانه باشد."

ولی ما، درس های تاریخ را زود بیاد فراموشی سپردیم. با نگاهی به نقش متمر بردگان بیگانه در کشور اینرا را به وضاحت میتوان دید که قدرت برده داری بیگانه در کشور ما با دیوار های ضخیم استعمار که تمایزات بین اقوام کشور را ریخته دست و ظنفروشان از بدو پرچمی و خلقی و اخوانی و بعد ها طالبی و خمینی و حقانی و داعشی و در نهایت امریکایی و روسی و پاکستانی و ایرانی با درنده خویبهای ایشان در اصل جز قدرت برده داری و تجاوزجوییها نمیتواند باشد که این همه مصایب دردناک را ببار آورده و شیرازه وحت ملی را درهم شکسته و این شکست در حدی ایست که اعضای ملت دیگر از نام کشور خود ننگ دارند و از کلمه زیبای افغان در گریز اند و از درج نام پاک وطن در تذکره ای که توسط دولت افغانستان صادر میگردد اباً میورزند و میگویند که من تاجکستانی ام و خراسانی ام و پاکستانی ام و حال امریکایی ام.... چه خوش گفت آقای خالدی که "خراسان بزرگ، یک دروغ بزرگ است".

شکست شیرازه وحدت در کشور، شیرازه مذهب را نیز به شکل فجیعی در هم شکسته که بصوب الحاد ره میماید. بتاريخ 8 ماه فیروزی یک تن از طرفداران آغای نور والی دست نشان بیگانه در مزار در خلال خطابه مطبوعاتی میگوید که: " اگر دروازه نبوت بسته نمی شد بعد از مسعود وحی پیغمبری به آقای نور داده میشد". چه اسلحه بجز دالر و کددار و روبل و دینار و تومان، میتواند باعث گردد که مسلمانی بتواند با این جرئت دست بدامن کفر زند؟

امروز رهبران بنام رهبر، ولی برده بیگانه با چشم باز مینگرند که در یونیورستی امریکایی در داخل کابل درس تفرقه میان اقوام افغان جری کتب درسی گردیده و جوانان را که از مسائل تفرقه انگیز و مفاهیم درز افگن میان ملت چیزی

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

نمیداند و درک کافی هم از آن ندارد، به کجا خواهد کشانید؟ یکماه قبل صفحات این کتب از طریق مسنجر به جهان پخش گردید ولی این صدا با سرعت داندالوصفی خاموش گردید.

حقیقت تلخ اینست که هفت ثور 1357 خلق و پرچم سیاه ترین روز درج شده در تاریخ وطن است که با این روز تاریخ و نامیمون شیرازه وحدت ملی در کشور از هم گسیخت و ملت غیور با آنکه توانستند با قربانی یک و نیم میلیون شهید و پنج میلیون آواره و صدها هزار معلول و بیوه و یتیم، تجاوزگر و هیولای قرن را از خاک مقدس وطن به بیرون افکنند ولی بیخبر از اینکه رهبران جهادی فروخته شده به بیگانه، کلمه مقدس جهاد ملت را بخاک برابر نمودند.

این همه خائنین ملی را چگونه میتوان از خاک مقدس وطن بدور افکند تا ملت از شر ایشان ره به سلامت برند و راهی بسوی روشنایی های وحدت ملی را باز یابند و بتوانند به آرمان تحقق عدالت اجتماعی باز رسند؟

در بیانیه لویه جرگه شهید محمد داود رجوع میکنم که میگویند:

" انقلاب در هر جامعه مولود شرایط و عوامل نا همگون و غیر عادلانه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میباشد، که استمرار، دوام و بقای آن ملت را به اجبار، انحطاط و چنان خطرات جبران ناپذیری میکشاند که بی علاقه می عناصر ملی، وطنپرست را در برابر آن میتوان گناه عظیم شمرد."

ایکاش ملت افغان امروز میتواندست به تاریخ نظر بیافنگند و به صدای رهبر واقعی خویش با صداقت تمام گوش فرا دهند که میگفتند: "ای ملتی که در سخت ترین پیکار های تاریخ پر افتخار خود همت عالی و غرور ملی خود را از دست ندادید، چرا امروز به خود احساس ضعف و ناتوانی مینمائید؟"

روح این راد مرد تاریخ شاد باد. ولی صدای درون من به این رهبر در جواب میگوید: " که ما امروز خاک فروخته بیش نیستیم! دگر آزادی از کشور مان رخت بست و رفت."

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ